دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال سیزدهم/ شماره ۲۱/ بهار و تابستان ۱۴۰۱

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
twelfth, Year 13 , No 21, Spring & Summer 2022

# بررسی عوامل تحکیم بنیان خانواده با محوریت آیات قرآن

□محمد حسن امیری نژاد *

## چکیده

خانواده رکن اساسی جامعه ی انسانی است و شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان زوجین است. تحصیل شناخت به این گونه روابط، نیازمند آشنایی هر یک از اعضا با وظایف و حقوق خویش است. قرآن کریم به عنوان عالی ترین راهنمای حیات بشر، بهترین هدایت گر در این زمینه است، در این مقاله، با رجوع به آیات و رهنمودهای حکمتانهٔ این کتاب عظیم، راه هکارهایی تحکیم روابط در خانواده بررسی شده و ضمن معناشناسی خانواده و بیان اهمیت و ضرورت موضوع و نیز مباحث مانند: انگیزه تحکیم روابط در خانواده، عوامل مؤثر بر تحکیم روابط و اصول تحکیم خانواده در مورد تحلیل قرار گرفته.

**واژگان کلیدی:** قرآن، خانواده، مودت، تحکیم روابط، حسن معاشرت.

* . دانش آموخته سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم

**مقدمه**

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ های گوناگون است تا آن جا که سعادت و شقاوت امت ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می‌باشد. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه‌ی دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه ی خانواده های سالم و امن پدید آمده است. علاوه بر این، کارایی و ارزش علم و هنر نیز در صورت برپایی خانواده است و بدون خانواده، نه تنها هویت انسانی بشر نابود می‌شود، بلکه همه‌ی تلاش های فردی و اجتماعی نیز در حقیقت بی ثمر و نافرجام خواهد ماند.

از این روست، ملت هایی‌که در آستانه‌ی فروپاشی‌خانواده قرار گرفته اند، درصدد حفظ این نهاد مهم برآمده و با خانواده های جایگزین نظیر خانواده های تک نفره، خانواده های هم جنس (زندگی هم جنس بازان) و شبیه به این، با این بحران جدی مقابله می‌کنند؛ غافل از آنکه خانواده از نظر جامعه شناختی باید در هر شرایطی سه کارکرد اصلی خود را حفظ کند. «طبق نظریه های قدیمی که هنوز هم اعتبار دارند، خانواده سه وظیفه ی عمده دارد: یکی مسائل جنسی‌است که در خانواده باید حل شود؛ دیگر فعالیت خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی و بالاخره پرورش کودکان است که از وظایف مهم خانواده به شمار می آید.» (فرجاد، ۱۳۶۳: ص۲۰.)

از نگاه ادیان به ویژه اسلام، کارکردهای متعالی‌تری از خانواده انتظار می رود. علاوه بر آن، برپایی و پویایی نهاد خانواده، شاخصه‌ی اصلی یک اجتماع زنده و رو به توسعه است. یکی از مهم ترین عوامل توسعه، توسعه ی نیروی انسانی‌است. گرچه معیار نیروی انسانی در توسعه، عموماً با ارزیابی بازدهی و کارایی‌آن است، اما در یک تحلیل عمیق، کارآیی انسان نیز از خانواده تأمین می‌شود. چه خانواده‌ای که در آن متولد شده و به مرحله بازدهی می‌رسد و چه خانواده‌ای که تشکیل می‌دهد و به آن دل بسته و وابسته است؛ بنابراین سهم خانواده در بالابردن توسعه، سهمی‌اساسی و قابل توجه است؛ اما متأسفانه هنوز در شمار پارامترهای سنجش توسعه قرار نگرفته است.

پیوند زناشویی، امری غریزی و از نیازهای اولیه و اساسی انسان است و نیازی به آموزش و محرک خاص ندارد؛ اما تداوم این پیوند و داشتن روابطی‌صحیح که به پایداری خانواده منجر می‌شود، نیازمند آموزش و عنایتی ویژه از سوی متولیان و دلسوزان جامعه است.

قرآن کریم، به عنوان برترین نسخه ی زندگی و عالی ترین راهنمای بشر برای دست یابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی، می‌تواند انسان را جهت دستیابی به عالی ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند.

اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. تأکیدات اخلاقی و سفارشات حقوقی کتاب مقدس قرآن و روایات گرانقدر ائمه طاهرین (ع)، برای تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، بیش از جوانب دیگر حیات بشری است؛ بلکه در یک نگاه کلی، تمامی احکام و دستورات اسلام به نوعی ناظر بر صیانت از خانواده است. بخشی از آن برای تزکیه و تطهیر فرد و بخشی پیرامون اصلاح جامعه و حفظ سلامت آن وضع شده است.

از این رو موضوع خانواده، به طور کلی در سه محور تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده قابل بحث و بررسی است. نوشتار حاضر، عوامل تحکیم روابط اعضا در خانواده را در آیات قرآن کریم جستجو کرده است. ویژگی بحث آن است که صرفاً پیرامون جستجوی عوامل تحکیم بوده و از ورود به مباحث تخصصی فقهی و حقوقی خودداری کرده است؛ لکن بر حسب اقتضا به عاملیت آن ها اشاره کرده است.

## مفهوم شناسی خانواده

تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است که عموماً بر اساس دو نکته بیان گردیده: یکی، ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یاد کرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست.

خانواده متشکل از افرادی‌است که از طریق پیوند زناشویی، هم خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می-آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند.»(منصور قنادان، ۱۳۷۵، ص۱٤۸). خانواده همچون گروهی از افراد است‌که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم خونی‌شکل‌می‌گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می شوند.» (همان، ص۱٤۸.)

خانواده گروهی از افراداست که از طریق خون، ازدواج یا فرزند خواندگی به هم پیوند خورده‌اند وکارکرد اجتماعی اصلی آن ها تولید مثل است.»(ساروخانی، ۱۳۷۰، ص۱۳۵.)

سازمان ملل متحد (۱۹۹٤). نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی‌دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند.» (نجاریان، ۱۳۷۵: ص۱۹.)

اولین مفهوم مشترکی که از مجموعه تعاریف ذکر شده و ده ها تعریف ارائه شده ی دیگر استنباط می‌شود، این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است. یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد؛ قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، جهت تعالی کارایی خانواده، لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود. فلذا، تحکیم روابط در خانواده از جمله مهمترین مسائل در سلامت و رشد فرد، هم چنین پویایی و توسعه همه جانبه در جامعه است.

## تحکیم روابط خانواده

### الف. تبیین مفهوم تحکیم در روابط خانواده

در اینجا لازم است به تبیین مفهومی عنوان بحث که گویای ساختار کلی مقاله است، پرداخته شود. مقصود از تحکیم خانواده چیست؟ آیا منظور نگه داشتن بنایی هر قدر سست و ناپایدار صرفاً با حفظ نامی از آن است؟ آیا منظور، پایداری خانواده، به قیمت کوتاه آمدن یک طرف و پذیرش ظلم از سوی

او و بی‌عدالتی از طرف مقابل است؟ آیا صرف اجتماع چند وابسته خونی یا سببی، زیر یک سقف با هرگونه روابطی هر قدر ظالمانه، با نادیده گرفتن حقوق و شخصیت انسانی یک نفر و زورگویی و یکه تازی دیگری، خانواده‌ای محکم خواهد بود؟ به طور قطع، سر پا بودن خانواده با تحکم از سوی یک فرد و بردباری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی از سوی دیگری، استحکام در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار بماند، از درون پوسیده و فرونشسته است. مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه ی اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «به سکونت رسیدن اعضااست.» لازم‌است که همه ی رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم، به کمال رساندن همین سکونت است که با کمترین ظلم، نامردی و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نیست.

## ب. انگیزه تحکیم روابط در خانواده

پایداری خانواده در طول تاریخ و در پهنه‌ی جغرافیای ملل، حاکی از انگیزه یا انگیزه هایی برای حفظ روابط و پیوند میان اعضای آن است. تحلیل این پیوند، در خانواده های مختلف با ساختارهای گوناگون، نمایانگر چند انگیزه‌ی محدود می‌باشد. برخی روانشناسان معاصر، آدمی را دارای چند انگیزه اصلی و بنیادی می‌دانند. برخی دو غریزه‌ی «صیانت ذات و غریزه ی جنسی» را برمی شمارند. برخی «انگیزه‌ی اجتماعی» را نیز به آن دو می‌افزایند و برخی چهار غریزه‌ی «صیانت ذات، تغذیه، غریزه‌ی جنسی و میل اجتماعی» را جزء این انگیزه ها به حساب می‌آورند. (سیاسی، ۱۳۵٤، ج۱، ص۳۸٦.) برخی که «میل جنسی» را محور تصمیم گیری‌ها و تحرکات بشر می‌دانند، اعتقاد دارند که هدف اصلی تشکیل خانواده، شکل حقوقی و رسمی دادن به ارضای این غریزه است.

در پاسخ باید گفت: میل جنسی در تشکیل خانواده (ازدواج) انگیزه‌ی مؤثر و اصلی است؛ اما در روابط و پایداری آن نقش انگیزه را نخواهد داشت و اگر عوامل دیگر به کمک آن نیایند، به تنهایی عاملی کافی نخواهد بود؛ زیرا منظور از تحکیم روابط، تداوم آن تا پایان همزیستی است. در حالی‌که میل جنسی در طول زندگی شدت و ضعف دارد و در دوران پیری اصولاً نقشی نخواهد داشت؛ ولی روابط در بسیاری از خانواده ها در این دوران قوی تر و پایدارتر است و برعکس در بسیاری از خانواده

های جوان که میل جنسی شدیدتری حاکم است، به لحاظ آن که این میل در خارج از خانواده پاسخ داده می شود، سستی بیشتری مشاهده می شود.

پس «میل جنسی» در تحکیم روابط اعضای خانواده، نقش انگیزشی نداشته، بلکه عامل تقویت کننده است و به طراوت محیط و بالا بردن آستانه‌ی تحمل کمک می‌کند؛ لذا نقش بسیار مهمی در خانواده دارد و همسران می‌توانند از آن برای یک زندگی پایدار کمک بگیرند.

از میان انگیزه های متفاوت و فراوانی که برای برپایی خانواده و حفظ پیوند میان اعضا می‌توان برشمرد، چند عامل عمده به نظر می رسد:

### ۱. فطرت

انسان برحسب فطرت، اجتماعی،است و به طور طبیعی از انزوا و تنهایی گریزان است. به همین لحاظ تا قبل از تشکیل خانواده، به خانواده‌ای که در آن متولد شده، وابستگی شدید دارد و بعد از آن، در اولین فرصت مناسب، خود تشکیل خانواده می‌دهد و به آن وفادار می‌ماند. هم چنین، تعلقات انسان به محیط و افرادی که با آن ها مأنوس شده، به طور فطری انسان را پایبند می‌کند؛ گرچه به ظاهر امری اکتسابی به نظر می‌رسد، اما جذبهٔ از درون است.

### ۲. اخلاق

«خلق، عبارت از عادت، مروت، طبع و دین» است. (قرشی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۲۹۳). غزالی نیز اخلاق را عبارت از: «اصلاح و پیراستن قوای سه گانه تفکر، شهوت و غضب» می داند. وی معتقد است، اخلاق، هیئتی رسوخ یافته در نفس‌است که باعث می‌شود انسان با سهولت، آسانی و بدون تأمل و اندیشه رفتار نماید. این حالت، زمینه‌ی صدور افعال پسندیده و نیکو و دوری از افعال زشت و ناپسند است. (رک. غزالی، ۱۳۷٤، ص۳۳۰.)

با رجوع به این دو تعریف و دیگر تعاریف اخلاق، مشخص می‌شود که رابطه‌ی اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی‌است؛ زیرا جز در محیط امن و سازنده‌ی خانواده، انسان هرگز قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی باشد. بنابراین، انسان که جویای کمال و گریزان از ضعف و نقص است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می‌باشد. به

طورکلی، استواری و محکم بودن خانواده ها، حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج خلقی و فساد است؛ حتی در میان خانواده هایی که چندان پایبند به احکام الهی نمی باشند. هم چنین بسیاری از سنت های پسندیده میان اقوام مختلف، جهت عمل به همین اخلاقیات است. بنابراین، یکی از راه های حفظ خانواده بها دادن به کانون این نهاد مقدس است.

## ۳. شرایع آسمانی

نقش ادیان و شرایع مختلف در سامان دهی و هدایت زندگی بشر، به خصوص در روابط اجتماعی، نقشی‌اساسی، قابل اعتماد و پایدار بوده است. شرایع آسمانی با تعیین ضوابط و آیین نامه های رفتاری، علاوه بر تصحیح روابط انسانی، بشر را مؤدب به آداب درست اجتماعی و خانوادگی‌کرده و از انسان غارنشین بی هویت، امت های بزرگ انبیای الهی را ساخته است. همه‌ی ادیان الهی بدون استثنا، شامل احکام دقیقی‌برای تنظیم روابط خانواده اند. این احکام در شکل اصلی‌شان و به دور از تحریف، به دلیل آن که بر اساس فطرت وضع گردیده اند، ضامن سلامت و صلح در خانواده اند. به همین دلیل، خانواده در میان اقوام مؤمن، استوارتر بوده و میزان طلاق در آن، بسیار کمتر از اقوام غیرمقید است. بر این اساس، شریعت همواره به منزله یک معلم و مراقب در خانواده نقشی مؤثر را ایفا کرده است.

در تمامی‌شرایع آسمانی، محبت ورزیدن، مدارای همسران با یکدیگر، خوش رفتاری و خوش‌کلامی در خانواده، رعایت حقوق یکدیگر، رسیدگی به کودکان، احترام به بزرگان و حمایت از بیماران، عبادت محسوب می‌شود و امری مقدس‌است. مؤمنین به انگیزه‌ی اطاعت از حق و جلب رضای‌خدا، سعی در کنترل رفتار خویش و صبوری در برابر ناملایمات زندگی دارند. البته این اطاعت، هم از سوی زن و هم از سوی مرد، پسندیده است؛ در غیر این‌صورت، یک سویه بودن آن، بنای ظلم در خانواده خواهد بود. این انگیزه (شریعت) تاکنون قوی ترین انگیزه در تحکیم روابط خانواده بوده است. تعالی معرفت دینی و مؤدب شدن به آداب الهی، با پایداری خانواده نسبتی مستقیم دارد. چنان چه دولت ها با کمک مراجع دینی، سطح آگاهی و پایبندی خانواده ها را به تقیدات دینی بالا ببرند، به طور قطع از میزان اختلافات کاسته و بنای خانواده استوارتر خواهد شد. اکنون برخی از جوامع غربی‌که فروپاشی خانواده را بزرگترین معضل اجتماعی اعلام کرده اند، برای بازسازی خانواده دست به دامان کلیسا و دعوت

جوانان به مذهب شده اند.

علاوه بر سه انگیزه‌ی فوق، عواملی چون تأمین اقتصادی، کسب حیثیت اجتماعی، ادامه نسل و حفظ هویت نیز می‌توانند در شمار انگیزه های تحکیم روابط شمرده شوند؛ ولیکن به طور معمول کارکرد خانواده محسوب می‌شوند.

## ج. عوامل مؤثر بر تحکیم روابط خانواده

تحکیم روابط خانواده، به دو دسته عوامل برون خانوادگی و درون خانوادگی بستگی دارد:

### ۱. عوامل برون خانوادگی

این عوامل به طور کلی در سه محدوده ی فرهنگ و محیط اجتماعی، اقتصاد جامعه و خانواده های ماقبل خلاصه می شود.

## فرهنگ و محیط اجتماعی

روابط انسان، انعکاس آموخته های پیرامونی‌اوست. فرهنگ و نحوه ی زیست هر فرد، از اولین عوامل مؤثر در روابط او می‌باشد. به طوری‌که از رفتار یک جامعه می‌توان وضعیت فرهنگی و محیط رشد مردم آن را ارزیابی کرد. از این روست که هنجارهای رفتاری در اقوام و ملیت های مختلف، متفاوت-است. روابط اعضا در خانواده نیز، متأثر از ادبیات محیط و آموخته های غیرمستقیمی‌است که از اطراف دریافت می‌شود. صبوری، مدارا، حفظ عفت، پایبندی به خانواده و همسر یا برعکس پرخاشگری، عدم سازش، طغیانگری و بی بندوباری از ویژگی هایی‌است که خانواده ها تا حدود زیادی از محیط خود می آموزند. بنابراین، یکی از عوامل مؤثر در تحکیم روابط خانواده، داشتن محیطی سالم و هدایتگراست. تأکید اسلام بر طهارت محیط، حفظ حدود الهی در جامعه و صیانت از فرهنگ اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، همه به دلیل تأثیر قهری مفاسد بر فرد و خانواده است. این نکته ی مهم از آیه‌ی کریمه‌ی «***کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر***.» (آل عمران/ ۱۱۰) به دست می آید که خداوند امت مسلمان را به شرط امر به معروف و نهی از منکر، بهترین امت می نامد؛ زیرا اصلاح محیط، از وظایف واجب مسلمین است.

## اقتصاد جامعه

از دیگر عوامل پیرامونی‌مؤثر در روابط خانواده، اقتصاد کلان در جامعه است. از آن جا که میزان درآمد خانواده و رفاه نسبی‌مردم، متأثر از اقتصاد عمومی‌است، همه‌ی شئون خانواده، تحت تأثیر این جریان خواهد بود. اقتصاد ضعیف، خانواده های فقیر درپی خواهد داشت و روابط در خانواده ی فقیر با خانواده‌ی بی نیاز متفاوت‌است. در چنین خانواده هایی، تلاش پدر به تنهایی جوابگو نیست؛ مادر مجبور به کار در خارج از منزل است و گاه فرزندان نیز وارد بازار کار می‌شوند. این تلاش همگانی، اگر همراه با فرهنگ اشتغال جمعی‌نباشد و مادران و پدران نسبت به تنظیم روابط عاطفی با یکدیگر و فرزندان توجه نداشته باشند و درصدد جبران برنیایند، در فرهنگ روابط اعضا مؤثر خواهد افتاد و در خانواده ایجاد فاصله و تنهایی خواهد کرد. این نکته، از مسائل مهم مورد ابتلای مادران شاغل در سراسر جهان است؛ زیرا اشتغال مادران و جدایی‌آنان از کودکان در سنین مختلف از عواملی‌است که به انحای مختلف در روان کودک و تعادل رفتاری وی مؤثر می‌باشد. از دیدگاه بسیاری، سپردن کودکان به سازمان های خاص، آن هم در زمانی که کودک بیشترین نیاز را به مادر دارد، موجبات بروز نابسامانی های روانی‌خاصی را در بزرگسالی فراهم می‌آورد. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص۱۷۲). لذا این مسأله، از موضوعات مهم روان شناختی و جامعه شناختی خانواده، در دهه های اخیراست. عدم حضور مادر در مدت زمان طولانی، به تنظیم روابط و اداره‌ی منزل لطمه می زند و در انهدام خانواده بی‌تأثیرنمی‌باشد. «هر قدر اقتصاد و زندگی خانوادگی توسط زنان بیشتر اداره شود، قدرت اجتماعی آن ها نیز در خانواده بیشتر خواهد شد و اشتغال در کار خارج از خانه، در چگونگی روابط عاطفی آن ها با اعضای خانواده اثر می‌گذارد و هر قدر نظام جدید خانواده تغییر شکل پیدا می‌کند، روابط عاطفی ضعیف تر می‌شود.»(فرجاد، ۱۳۶۳، ص۱۵.)

اما اقتصاد در روابط خانواده های غنی نیز، به گونه‌ای دیگر تأثیرگذاراست. در این قشر نیز اگر داشتن ثروت و امکانات رفاهی فراوان، همراه با فرهنگ سازی نباشد و به فرهنگ صحیح مصرف توجه نشود، سرگرمی افراد به تأمین خواسته های متنوع و متلون خود در داخل و خارج از منزل، موجبات ازهم گسیختگی روابط را فراهم می آورد؛ زیرا ناخواسته از لحظات همنشینی، هم زیستی و هم کلامی کمتر شده و از وابستگی های عاطفی روانی نیز کاسته می شود.

نتیجه آن که اوضاع اقتصادی جامعه، در تنظیم و تعدیل روابط خانواده مؤثراست. چنان چه خانواده ها از حیث درآمد، پاسخگوی نیازهای خویش باشند و فرهنگ صحیح روابط را آموخته باشند و بکارگیرند، فرصت رفع نیازهای روحی عاطفی خود را در خانواده پیدا خواهند کرد که به تحکیم روابط آنان خواهد انجامید.

## ۲. عوامل درون خانوادگی

عوامل درون خانوادگی، در تحکیم روابط بسیار متعدد است. تفکیک امور حقوقی و اخلاقی در خانواده، بسیار مشکل‌است؛ زیرا همه‌ی رفتارها و برخوردها در روابط اعضا نقش دارد. خانواده، حقوقی ترین و حساس‌ترین فضای اجتماعی است. در این مجموعه، روابط باید پایدار و دائمی باقی بماند. بنابراین، هیچ امری نباید موجب تضعیف آن شود. در یک دسته بندی کلی می‌توان عوامل مؤثر بر تحکیم روابط در درون خانواده را چنین برشمرد:

### ۱,۲. توجه به جایگاه خانواده

درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی اعضا، اولین گام در تنظیم روابط است. هر یک از افراد باید به هدف اصلی خانواده که سکونت اهل آن است، توجه داشته باشد و در جهت تأمین آن تلاش کند و خواسته ها و توقعات خود را به سمت آن هدف سوق دهد.

نگاه قرآن به خانواده، نگاه به چند نفر که قصد هم زیستی زیر یک سقف را دارند، نیست. قرآن، خانواده را نظامی جامع و در مسیر کمال می بیند و بالقوه آن را یک مجموعه ی متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می‌انگارد که برای به فضیلت رساندن آن برنامه ریزی می‌کند و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با این ویژگی تعیین می‌نماید.آیات ذیل به این ویژگی خانواده مؤمن اشاره دارد: «**والذین یقولون ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماماً**» (فرقان، ٧٤) و کسانی اند که می گویند، پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه ی روشنی چشمان ]ما[ باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.

خداوند در سوره فرقان، دوازده ویژگی برای عباد الرحمن نام می‌برد. در یازدهمین ویژگی، به توجه خاص مؤمنین به خانواده و فرزندان اشاره می نماید. بر طبق آیه‌ی مبارکه، آن ها تنها به ابراز احساسات

اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای خانواده خویش دعا می‌کنند.«بدیهی است که منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند؛ بلکه دعا دلیل شوق و عشق درونی‌شان به این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آن چه در توان دارند، در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آن ها به اصول و فروع اسلام و راه های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳٦۸، ج۱۵، ص۱٦۷). و در پایان آیه که می‌فرماید: «**و اجعلنا للمتقین اماماً**»، دعایی بسیار متعالی برای جمع خانواده می‌کند.

### ۲,۲. تثبیت نقش ها

خانواده، جامعه‌ی کوچکی‌است که نیازمند مدیریت است. بهترین نمود مدیریت خانواده، در تثبیت نقش هاست. زن و مرد مسلمان، در سایه ی ازدواج، پیمان وحدت بسته اند و دست بیعت بر ایجاد محیطی سرشار از تفاهم و رشد داده اند. آن ها بنیانگذار یک خانواده و یک نسل انسانی هستند. لازمه‌ی دستیابی به این هدف مقدس، آن است که در یک نظام صحیح، موقعیت هر فرد طراحی و تعیین شود و بپذیرد که نسبت به دیگری حقوقی دارد و در قبال آن وظایفی را متعهد می‌شود. مرد همسر و پدر خانواده است و حق همسری و پدری دارد؛ پس باید حقوق او در جایگاهش رعایت شود و زن نیز همسر و مادر خانواده است و باید حقوق او نیز در هر دو جایگاه محفوظ باشد. در این میان، انتظارات افراد از یکدیگر برحسب نقش ها تعدیل می‌شود. فرزندان باید پدر را در جایگاه پدری باور کنند؛ نه خدمت گزار و بانک خانواده و مادر را نیز در جایگاه مادری باور کنند؛ نه خدمه‌ای با محبت و سخت کوش. همسران نیز باید موقعیت یکدیگر را در نظر داشته باشند. البته همکاری و کمک به دیگری در خانواده، به معنای تزلزل یا جابجایی نقش ها نیست و اختلاف سلیقه هم امری پذیرفته-است. در خانواده قرآنی، پدرسالاری، مادرسالاری یا فرزندسالاری معنا ندارد. همه تابع حق اند و عدالت.

### ۲,۳. حفظ شئون فردی

گاه زوجین به نحوی در نقش خانوادگی خود فرو می روند که خود را فراموش می‌کنند. مادر فقط مادراست برای فرزندان و همسراست برای شوهرش و حقوق خویش را از یاد برده است یا پدر تنها در

فکر ایفای نقش پدری و همسری است و کاملاً از نیازهای خود غافل مانده است؛ در حالی که هر دو باید بدانند که زمانی یک کانون فعال و پویا خواهند داشت که هویت شخصی‌آن ها به طور کامل حفظ شود. شناخت حقوق و وظایف در رشد و تعالی همسران و ایفای مسئولیت‌شان نسبت به غیر، بسیار مؤثراست. بنابراین، زن و مرد باید علاوه بر اهتمام به نقش‌های خویش، تأمین خواست ها و نیازهای خود را نیز جزو عوامل تحکیم و تعالی بخش خانواده قلمداد کنند. عبادت، کسب کمالات معنوی و اجتماعی، سلامتی‌جسمانی و روانی، داشتن روابط دوستانه و اجتماعی در حد لزوم، تفریح، ورزش، سفر، ارتباط منطقی با خانواده و نزدیکان و...، همه باید در دستور کار زن و مرد به طور منظم و مثمر ثمر وجود داشته باشد. نادیده گرفتن این نیازها به بهانه‌ی مخدوش شدن مسئولیت‌ها، نه تنها معقول نیست، بلکه یک نوع کاستی در خانواده است و در دراز مدت بر روابط خانواده اثر سوء دارد. چنان که در موارد زیادی شاهد خسته شدن زن و رها کردن همه نقش‌ها در سنین بالا یا شاهد مردان پشیمانی که در اواخر عمر به گذشته خود معترضند، بوده ایم؛ زیرا خود را فنا شده می بینند و معمولاً ناسپاسی فرزندان، آنها را به دلسردی و ناامیدی می‌رساند. در مسیر زندگی، همسران باید یکدیگر را از هر حیث یاری دهند؛ از جمله در حفظ هویت شخصی همسر خود تلاش کنند و ایجاد مانع نکنند و بدانند که اگر هر کدام مانع تحصیل کمالات دیگری شود، مسئولیت همه ی شروری که در اثر جهل از فرد مقابل سر بزند یا خیراتی که باید در اثر کمالش بنا شود و نشود، بر عهده زوج یا زوجه ی مقصر است؛ زیرا مخالفت با تلاش و عمل صالح هر فرد، دور کردن وی از حیات حقیقی اش و باز ماندن از پاداش اخروی است. زن و مرد باید یکدیگر را در رساندن به این حیات طیبه یاری دهند و مانع راه یکدیگر نباشند تا از این طریق علاوه بر انجام تکالیف الهی، در اجر اخروی آن شریک باشند و خانواده را به هدف اصلی‌آن نزدیک کنند و به انگیزه و شادابی اهل‌خانه، در داشتن یک خانوادهٔ متکامل و الهی بیفزایند.

### ۲،۴. شنایی و پایبندی به تعهدات حقوقی و اخلاقی

خانه با هر محیط دیگر متفاوت است و خانواده متمایز از هر جمع دیگری‌است. خانه، مسکن و مأمن اهل آن است و هیچ عاملی نباید امنیت و سکونت آن را آشفته سازد. زن و مرد بیش از هر وظیفه‌ی

دیگر، مسئول ایجاد و حفظ این امنیت و آرامش اند و هیچ کس جز آن دو توان این مهم را ندارد. این حکم قانونی، تکلیف الهی یک خانواده‌ی مسلمان است؛ یعنی اطاعت از آن عبادت حق است و اجر اخروی دارد و ترک آن مخالفت با حکم الهی است. اما برای ایفای این نقش مهم از سوی زن و مرد، «اخلاق» مهمترین نقش را دارد. زیبایی، مال، عنوان اجتماعی، مدرک تحصیلی، مکانت خانوادگی، وجود فرزند و هیچ عامل دیگری خارج از دایره ی اخلاق، مؤثر نخواهد بود. حتی قوانین حقوقی‌که تعیین کننده حد و مرزهای وظایف و حقوق زن و مرد است، در این امر تأثیر معکوس دارد. «در این رابطه، سخن از عواطف‌انسانی، عشق، صمیمیت و وفاداری‌است و حقوق برای حکومت کردن بر آن ها ناتوان است. به زور اجرائیه دادگاه، نه مرد را می توان به حسن معاشرت با زن واداشت و نه زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری به او مجبور کرد. بر این اتحاد معنوی تنها اخلاق حکومت می‌کند و حقوق ناگزیراست که به جای‌تکیه بر قدرت دولت، دست نیاز به سوی اخلاق و عادات اجتماعی دراز کند. درست است که حقوق نیز برای زن و شوهر تکالیف ویژه ای معین کرده است، ولی مصادیق این تکالیف نیز نوعی الزام اخلاقی‌است!»(کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج۱، ص۲۱۲).

### ۲,۵. حسن معاشرت

ویل دورانت می‌گوید: «در میان جنگها و ماشینها چنان غرق شده ایم که از درک این حقیقت بی‌خبر مانده ایم که در زندگی، واقعیت اساسی، صنعت و سیاست نیست؛ بلکه مناسبات انسانی و همکاری افراد خانه از زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان است.» در حکمت عملی نیز، تدبیر منزل را بر سیاست مدن مقدم می دانند و البته تهذیب اخلاق بر تدبیر منزل نیز مقدم است. در حکمت عملی، اول فردی را مهذب می‌سازند تا خانواده‌ای بنا کند و خانواده های تدبیر یافته و سامان گرفته، جامعه‌ای زنده و سالم بسازند.

از ویژگی‌های انسان، تمایل و نیاز او به معاشرت است و از معاشرت، جز محبت دیدن و محبت ورزیدن انتظار ندارد؛ چرا که خلقت انسان بر اساس عشق و محبت بوده و همین بهترین انگیزه‌ی او در هر گونه تلاشی‌است. گرچه انسان عموماً در تشخیص عشق حقیقی به بیراهه می رود، اما عشق های صوری و حتی باطل هم این خاصیت را دارند که انسان را به تکاپو وا دارند و امیدوار و مجذوب کنند.

خداوند، رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی در خانواده را با «حسن معاشرت» معرفی می‌کند و از مرد و زن (مردان در حد تکلیف‌حقوقی و زنان توصیه اخلاقی)، رعایت آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان، معروف را به معنای «هر امری که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند» معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳٦۳، ج٤، ص٤٠٤.)

حسن معاشرت در خانواده، در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می-شود. «تعبیر حسن معاشرت که به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن مطرح می شود و عامل تحکیم زندگی خانوادگی‌است، اگر به خوبی باز شود، نشان دهنده‌ی تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. در «نفقه» همه‌ی نیازمندی های جسمی زن باید تأمین شود و در «حسن معاشرت» همه ی نیازمندی های روحی او.» (بهشتی، ۱۳۷۷، ص۱۷٤.)

دکتر کاتوزیان در «حقوق مدنی خانواده» معتقد است: «لوازم حسن معاشرت را به دقت نمی‌توان معین کرد؛ زیرا عادات و رسوم اجتماعی و درجه‌ی تمدن و اخلاق مذهبی در میان هر قوم، مفهوم خاصی از «حسن معاشرت» به وجود می‌آورد؛ ولی به اجمال می توان گفت، تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود، مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب، مشاجره، تحقیر یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد، مانند: ترک خانواده، بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او و اعتیادهای مضر، از مصداق‌های «سوءمعاشرت» در خانواده‌است. هرچند که تکلیف مربوط به حسن معاشرت، جنبه ی اخلاقی دارد، از نظر حقوقی نیز بی ضمانت اجرا نمانده است؛ زیرا سوءمعاشرت زن استحقاق او را در گرفتن نفقه از بین می‌برد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج۱، ص۲۱۹.)

حساسیت محیط خانواده، اهداف بلند مدت و مقدس آن اقتضا می‌کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند و از خانه فضایی سرشار از انس و ملاطفت بسازند؛ زیرا خداوند زن و مرد را هدفمند در کنار یکدیگر قرار داده است و کمال آن دو را در این آمیختگی و تشکیل خانواده تعبیه کرده است. تعبیر لطیفی در آیات ۲۰ و ۲۱ از سوره ی روم در این خصوص وجود دارد. خداوند در آیه ۲۰ پس از آنکه به حیات زمین بعد از مرگش اشاره می‌کند و پراکندگی بشر بر روی

زمین برای کار و تلاش و کسب روزی و مال را یادآور می شود «**و من آیاته ان خلق لکم من تراب ثم اذا انتم تنتشرون**»در آیه ۲۱ می‌فرماید: «**و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و...**»، «از نشانه های خداوند آن‌است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آنان به آرامش برسید.» علامه طباطبایی می فرماید: «منظور از انسان در این آیه، مرد است و مراد از انتشار، به دنبال روزی رفتن و انجام اعمالی که لازمه ی زندگی است...؛ ولی خداوند زن ها را آفرید و در وجود آن ها چیزی تعبیه کرد که موجب آرامش مردان می شود.» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج٤، ص۲۳۱).

آن هدفمندی، این طراحی‌خلقت، ترکیب زوجیت و تقسیم مسئولیت، خود از بزرگترین آیات رحمانی‌است و بشر هرگاه همگام با این آهنگ خلقت حرکت کرده و خود را با لطایف آن همراه نموده، بهترین بهره ها را از زندگی دریافت کرده است. اما هرچه از این مسیر فطری فاصله گرفته، به معیشتی «ضنکا» دچار شده است؛ چنان که نمونه ی آن را در زندگی های نابسامان در سراسر دنیا شاهدیم.

نکته قابل توجهی در آیات مربوط به «حسن معاشرت مردان با زنان» وجود دارد و آن این است که خداوند در مواقع عادی در روابط زن و مرد، اشاره‌ای به حسن معاشرت ندارد؛ بلکه در جایی‌که کمتر کسی به نیکی رفتار می‌کند و مراقب حکم خدایی‌است، مثل مرحله ی طلاق زن، دوران عده یا گرفتن مهریه ی زنان به زور و...، به تقوی و نیکی در برخورد با زنان سفارش می‌کند. «**واتقوالله ربکم لاتخرجوهن من بیوتهن و لا یخرجن إلا أن یأتین بفحشة مبینة**» «تقوای الهی پیشه کنید و هیچ گاه همسران و زنان خویش را در ایام عده از خانه بیرون نکنید، مگر آن که گناه آشکاری مرتکب شده باشند.» (طلاق/ ۱.) «**یا ایهاالذین امنوا لایحل لکم ان ترثوا النساء کرها و لاتعضلوهن لتذهبوا ببعض ما اتیتموهن الا ان یأتین بفاحشة مبینة و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیه خیراً کثیراً.**» (نساء/ ۱۹.)

در این آیه نیز معاشرت به معروف، محور بحث و توصیه به مردان در برخورد با زنان است. آیه بیانگر دو نهی و یک امر به مردان است. نهی از به ارث بردن زنان و گرفتن تمام یا بخشی از مهریه ی آنان به زور و امر به معاشرت به معروف با زنان است. «آیه هم ندا است و هم تنبیه، هم اشارت است و هم شهادت و هم حکم یا نداست. «أیها» تنبیه است؛ «الذین» اشارت است؛ «**آمنوا**» **شهادت است؛** «**لا یحل لکم ... کرها**» حکم است و بیان حکم آن است که (زنان را) از راه تلبیس و تدلیس برایشان

حکم نکنید و قهر نرانید و آن چه شرع نپسندد، از ایشان نخواهید؛ بلکه با ایشان به معروف زندگی کنید. «**و عاشروهن بالمعروف، ای بتعلیم الدین و التأدب الاخلاق المسلمین.**» (میبدی، ۱۳۵۷:ج۲، ص٤٧١.)

توصیه‌ی خداوند به رعایت معاشرت به معروف در مراحل خاص مثل طلاق، حاکی از آن است که در مواقع عادی به طریق اولی مرد باید مراعات معروف را بنماید. معاشرت به معروف، خاص مواضع ذکر شده در آیات نیست؛ بلکه همه رفتارها و برخوردهای مرد نسبت به همسر را شامل می شود. یعنی مردان باید در هر معاشرتی که با زنان دارند، مراعات معروف و نیاز روحی آنان را بکنند. با توجه به جامع نگری و دقت اسلام در روابط زن و مرد در محدوده ی خانواده، این حکم الهی(حسن معاشرت) بهترین ضامن اصلاح روابط در خانواده ها می باشد؛ به شرط آن که آگاهی و عمل آنان را به همراه داشته باشد.

### ۲,۶. دینداری و تعهدات الهی

خانواده‌ای که قرآن طراحی می‌کند، مکتبی و معابدی است که اعضای آن مدارج بندگی را طی می-کنند و به حیات طیبه راه می یابند. افراد در خانواده، علاوه بر تأمین حقوق دنیوی خود نظیر امنیت، آرامش، تغذیه، بهداشت مناسب، تحصیل علوم و... حقوق معنوی خود را نیز جستجو می‌کنند. زن و مرد موظف به ایجاد زمینه‌ی مقتضی و رفع موانع برای دستیابی یکدیگر به این حقوق می‌باشند. «**من عمل صالحاً من ذکر او انثی فلنحییّنه حیوة طیبه ولنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون.**» (نحل/ ۹۷)، «از مرد و زن هر کس عملی صالح انجام دهد به شرط ایمان به خدا، ما او را در زندگانی خوش و با سعادت، زنده می گردانیم.»

خداوند در آیه‌ی فوق شرط رسیدن به حیات طیبه و دخول در بهشت و دریافت اجر اعمال را، ایمان و عمل صالح ذکر می‌فرماید: و این دو، تنها در محیطی چون خانواده کسب می‌شود. اسلام، زن و مرد را در کسب حقوق معنوی و کسب خیر و شر به تمام معنی‌مساوی با یکدیگر می‌داند. «**کل‌نفس بما کسبت رهینة**» (مدثر/ ۳۸.) «**من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها**» (مدثر/٧٤). «**والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماماً**» (فرقان/ ٧٤.)

«**قرة**»، از واژه قراراست و منظور از قرة اعین، آرامش دیدگان می باشد. چشم انسان در چیزی که خوشایند اوست، آرام می‌گیرد. در این آیه، عبادالرحمن از خداوند درخواست می‌کنند که «همسران و فرزندان ما را مایه آرامش چشم ما قرار ده» و از آن جا که چشم و دل مؤمن جز به رضای حق آرام نمی-گیرد، نتیجه آیه آن است: «پروردگارا، نسل و اهل خانه‌ی مارا در مسیر خود و مورد رضای خود قرارده.» خلاصه آنکه مؤمنین عبادالرحمن ـ علاوه بر انجام مسئولیت خود در قبال تأمین حقوق معنوی خانواده، برای کمال معنوی آنان و رسیدن به رضای حق، دعا نیز می‌کنند. شاید انگیزه برای این خیرخواهی و دعا، این آیه باشد: «**والّذین امنوا و اتّبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم و ما التناهم من عملهم من شیء، کل امرئٍ بما کسب رهینٌ**» (طور/ ۲۱.)

وکسانی که ایمان آورده اند و ذریه و اهل ایشان از آنان پیروی کرده اند، ذریه آنان را (در بهشت) به ایشان ملحق می سازیم و از خودشان هم چیزی کم نمی‌کنیم. هر کسی در گرو کسب و عمل خویش است.

در قرآن کریم از خیرخواهی، نصیحت و دعای والدین برای فرزندان، شواهد دیگری است؛ نظیر نصایح لقمان به فرزندش که در طی پنج نصیحت عمده، وی را به توحید و دوری از شرک، حسن خلق، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و شکیبایی و میانه روی توصیه می‌کند و از تکبر، خودپسندی، فقر و مباهات به دیگران منع می کند و درخواست حضرت نوح برای پسرش که خداوند او را به خویش ملحق گرداند: «**و نادی نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی و ان وعدک الحق و انت احکم الحاکمین.**» (هود/ ٤٥) اما از آن جا که پسر نوح غیر صالح بود و از اهل او حساب نمی شد، پاسخ شنید: «**انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح فلا تسألن ما لیس لک به علم.**» (هود، ٤٦.)

## اهمیت خانواده ازنگاه قرآن

### الف) کارکرد و جایگاه خانه در قرآن

واژه‌ی «بیت» به معنای خانه، هفتادو یکبار بار با مشتقات آن در صیغه‌های «بیت» و جمع آن «بیوت» در قرآن کریم آمده است. این کلمات در ۱۲ مورد به مصداق بیت الله، یعنی کعبه (خانه خدا)، دو

مورد برای بیت عتیق، دو مورد بیت معمور و باقی به معنای «خانه»، همان محیط مخصوص زندگی خانواده آمده است.

با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن به کلمهٔ بیت، چنین به دست می آید که این مکان مسقفِ محدود که محل اجتماع و زیست جمعی بشر و اولین محیط رشد و پرورش وی‌است، مورد عنایت حق بوده و برحسب کارایی و جایگاهش در حیات انسانی، از اهمیت بسزایی برخوردار است که در اینجا به بعضی از این موارد اشاره می شود:

## ۱. محل تسکین

اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه‌ی‌این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی(محل محرم) برای ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می‌دهد: «**و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً**»(نحل/۸۰). خداوند از خانه های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرارداد. واژه «سکن» به معنای هر چیزی‌است که انسان به وسیله ی‌آن تسکین یابد. انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رها شدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن و راز و نیاز با خدا و محرمان نیاز دارد. اگر خانه تأمین کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود.

## ۲. محل ذکر و تلاوت آیات الهی

«**واذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ایات الله والحکمة**» (احزاب/ ۳٤)، به یاد آورید آن چه در خانه هایتان از آیات و حکمت تلاوت شده است.

آیه خطاب به همسران پیامبر اکرم(ص)است و نکاتی از آن برداشت می‌شود:

فضایلی‌که از خانه و خانواده نصیب انسان می‌شود، ارزشمند است و باید برای بکارگیری در زندگی حفظ شود.

- هر فرد باید حافظ شئون، موقعیت و آبروی خانواده خود باشد.
- محیط آرام و مأنوس خانه، مناسب ترین محل برای اندیشه، ذکر، یادآوری کلام خدا و ذکر حکمت

های الهی‌است.

– خانه مکتبی برای تربیت انسان هایی عبد و مطیع حق است.

کارکرد وسیع و گرانقدر خانه، آن را مکانی‌مورد احترام و عنایت قرار داده است؛ اما چنانچه این محل معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می‌گرداند. چنانکه خطاب به رسول گرامیش می‌فرماید: «**فی‌بیوت‌اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها بالغدوّ و الاصال**»(نور/۳٦). رفعت و علو حقیقی‌خاص خداوند متعال است؛ خانه‌ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و مرفوع است.آنچه از آیه فوق‌این است که اگر خانه از هر پلیدی و لوث منزه بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزیّن شود، رفعت می‌یابد و از یک چهاردیواری سرد و بی روح خارج می‌شود و هرچه صبغه‌ی الهی و معنویش بیشتر شود، مقامی رفیع تر می‌یابد که مصداق کامل آن کعبه، خانه‌ی خدا است. (طباطبایی، ۱۳٦۳، ج۱۵، ص۱۷۹-۱۷۸).

### ۳. محل رابطه‌ای قدسی

«**فاذا دخلتم بیوتا فسلّموا علی انفسکم تحیةً من عندالله مبارکةً طیبةً**» (نور/٦۱). «مقصود از سلام کردن بر خود، سلام بر اهل خانه است و اگر در این جا نفرمود: بر اهل آن سلام کنید، خواست یگانگی مسلمانان با یکدیگر را برساند؛ چون همه انسانند و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده است. علاوه بر این، همه مؤمنند و ایمان ایشان را جمع کرده، چون ایمان قوی تر از وهم و هر عامل دیگری برای یگانگی‌است.» (طباطبایی، ۱۳٦۳، ج۱۵، ص۲۲۹). خداوند می‌فرماید: «بر اهل خانه سلام کنید»؛ از آنجا که سلام بیان تحیتی مبارک از نزد پروردگاراست، عالی ترین ایجاد رابطه میان اعضای خانواده آن است که با تحیت و سلام با یکدیگر برخورد کنند و یاد خدا میان آنان باشد. این رابطه قدسی اگر در خانه برقرار شود، به طور قطع به جامعه نیز کشانده خواهد شد. پس حقیقت سلام، گسترش امنیت و سلامتی در میان انسان هاست.

### ۴. لزوم حفظ حریم خواده

از نظر قرآن، خانه به قدری در مقام و جایگاه بالایی‌قرار دارد که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «**یاایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و**

**تسلّموا.**» (نور/ ۲۷). حصردر آیه مذکور به این معناست که خداوند ورود به خانه‌ی غیر را بدون اذن و سلام ممنوع می‌کند. حرمت این حریم را مقدس می دارد و ضرورت حاکمیت یک فرهنگ صحیح و صمیمی را در برخورد با اهل خانه بیان می‌کند و می آموزد که اهل بیت باید در روابط با یکدیگر، علاوه بر رعایت همه‌ی شئون انسانی در برخوردشان، از راه تکلم که نزدیک ترین و شایع ترین ارتباط است، نیز این یگانگی را بیان کنند و سلام واژه‌ای است که این پیام را دارد؛ علاوه بر آن که آرزوی سلامت و امنیت از جانب سلام کننده را ابلاغ می‌کند. از عدی بن ثابت روایت است: زنی انصاریه به نزد رسول الله(ص) آمد و عرض کرد: من در خانه خویش گاه گاه در شرایطی هستم که نمی‌خواهم هیچ کس مرا ببیند، در این حال اگر پدر، فرزند یا مردی از خویشان من وارد شوند، چه کنم؟ در جواب، آیه فوق فرو فرستاده شد.

«**تستأنسوا**» **یعنی** «**تستأذنوا**»؛ گفته شده است که استیناس طلب انس‌است و به این معنی است که در هیچ خانه‌ای که ملک شما نیست، وارد نشوید تا مطمئن شوید فردی در آن است و آن گاه اجازه بخواهید. ابن عباس گفت: در آیه تقدیم و تأخراست؛ یعنی «حتی تسلموا و تستأذنوا»، یعنی«حتی تقولوا السلام علیکم، أدخل»؛ سلام مستحب است و استیذان واجب. (رک. میبدی، ۱۳۵۷، ج٦، ص۵۰۹) در آیه ۲۸ از سوره‌ی مبارکه‌ی نور نیز، ورود به هرخانه‌ای مشروط به اجازه یافتن از سوی صاحب خانه شده است. «**فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم**» (نور/ ۲۸). اگر در خانه کسی را نیافتید، تا اجازه دریافت نکرده اید، وارد نشوید.

## ۳. اصول تحکیم روابط خانواده

خداوند در قرآن‌کریم، تأسیس بنای خانواده را به خود نسبت می‌دهد و به طهارت، تعالی و پایداری‌آن، عنایت وافری دارد. در آیه ی ذیل این نسبت تصریح شده است:«**والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدةً و رزقکم من الطیبات.**» (نحل/ ۷۲).از این آیه سه نکته پیرامون موضوع برداشت می‌شود:

۱. خداوند زوجیت و منشأ آن را به خود نسبت می‌دهد.

۲. خداوند به دنبال زوجیت و تشکیل خانواده، به یکی از اهداف و ثمرات آن که تولید فرزند و بقای

نسل است اشاره کرده و آن را نیز به خود نسبت می‌دهد.

۳. حمایت از خانواده و بقای آن را در قالب روزی دادن از پاکیها که شامل رزق مادی و معنوی می‌شود را به خود نسبت می‌دهد و همه‌ی این امور را ارج می‌گذارد و از آنها به عنوان نعمت یاد می‌کند.خداوند در سراسر قرآن برای حفظ بنای خانواده، احکام و اصولی را وضع نموده است و بر رعایت دقیق آن اصرار دارد. احکامی چون وجوب حجاب، حرمت نگاه به نامحرم، رعایت دقیق روابط میان زن و مرد، حکم استیذان، نهی از قذف، حرمت زنا و احکامی پیرامون نشوز، شقاق، حسن معاشرت و واجباتی در روابط فرزندان و...،همه از لوازم حفظ یک خانواده‌ی قرآنی‌است. از این اوامر و نواهی اصولی به دست می‌آید که در این جا به دو اصل آن اشاره می‌شود:

### الف) اصل طهارت

در خلقت الهی، شرط تکوین هر چیز، طهارت و صحت بنیان آن‌است. هیچ دانه‌ی ناسالم و آلوده‌ای منشأ خلقی پاک و سالم نخواهد بود. هر ثمره‌ی نیکویی، قطعاً بنیانی نیکو دارد. «**الم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماءو مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض مالها من قرار**» (ابراهیم/ ۲۶-۲۴). خداوند برای طهارت نسل انسان به عنوان برترین مخلوقش، خانواده را چون حریم امنی‌به این امر اختصاص‌داده‌است. خداوند به هیچ وجه اجازه‌ی کمترین اهانت و سوءنیت به حریم مقدس خانواده را نمی‌دهد و مجازات شدیدی برای متجاوزین وضع نموده است.

### ب) اصل امنیت

امنیت در حیات فردی و اجتماعی انسان، از حقوق اولیه و اصول مهم رشد و پایداری است. این اصل در خانواده از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. خانواده، نیازمند امنیت درونی و بیرونی‌است. امنیت درونی بیشتر به جنبه های اخلاقی در روابط برمی‌گردد. فرد در خانواده باید از حیث مالی، جانی، اخلاقی و ... امنیت داشته باشد. کمترین احساس ناامنی در هر یک از اعضا، آرامش در خانواده را مختل می‌کند. آنچه در اصل طهارت اشاره شد، توجه خالق یکتا به امنیت معنوی‌خانواده است که از

اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما امنیت جانی و اقتصادی این نهاد نیز حایز اهمیت است و در تحکیم خانواده نیز بسیار مؤثر است. کسب اجازه‌ی مؤمنین برای ورود به خانه‌ی یکدیگر در اسلام، از جمله سفارشاتی‌است که خداوند برای حمایت از حریم خانواده وضع نموده‌است. در این حکم صیانت از دو جنبه‌ی مادی و معنوی خانواده مورد نظر است؛ علاوه بر آنکه تزکیه جامعه را در پی-خواهد داشت «یاأَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتَّی تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلی أَهْلِها» (نور/ ۲۷-۲۸).

## نیتجه گیری

با توجه به اهمیت موضوع خانواده در مکت اسلام و نیز ادیان آسمانی و شرایع الهی، در سامان‌دهی زندگی‌انسان، به خصوص در روابط اجتماعی، نقشی‌اساسی‌داشته. شرایع آسمانی با تعیین ضوابط-رفتاری، علاوه بر تصحیح روابط انسانی، انسان را مؤدب به آداب درست اجتماعی و خانوادگی‌کرده. همه‌ی ادیان الهی بدون استثنا، شامل احکام دقیقی‌برای تنظیم روابط خانواده اند. این احکام در شکل اصلی‌شان، ضامن سلامت و صلح در خانواده اند. به همین دلیل، خانواده در میان اقوام مؤمن، استوارتر بوده و شریعت همواره به منزله یک معلم و مراقب در خانواده نقشی مؤثر را ایفا کرده است. از آنجا که نقش خانواده در تربیت و آرامش افراد خانه غیرقابل انکار است لذا در این مقاله ضمن تبیین مفهوم و جایگاه خانواده، عوامل که در تحکیم بنیان خانواده نقش اساسی دارد مورد بررسی قرار گرفته. بخش از این عوامل، عواملی بیرون خانوادگی‌است مانند: فرهنگ، محیط اجتماعی، اقتصاد و... بخش دیگر عوامل درون خانوادگی‌است مانند: پای‌بندی به تعهدات‌اخلاقی، دینداری، حفظ حریم خانواده، احترام به شؤن فردی، پاکی وطهارت و.... و برخی از عوامل دیگر که بر تحکیم بنیان خانواده تأثیر قابل توجه دارد.

## کتابنامه

**قرآن کریم**

بهشتی، احمد: «**خانواده در قرآن**»، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

جوادی آملی، عبدالله: «**زن در آیینه جمال وجلال**»، تهران، رجاء، ۱۳۶۹.

ساروخانی، باقر: «جامعه شناسی خانواده»، تهران، سروش، ۱۳۷۹.

سیاسی، علی اکبر: «**نظریه های مربوط به شخصیت**»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.

طباطبایی، محمدحسین: «**تفسیر المیزان**»، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.

غزالی، محمد: «**احیاءالعلوم**»، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

فرجاد، محمدحسین: «**آسیب شناسی اجتماعی**»، تهران، بدر، ۱۳۶۳.

قرشی، سید علی اکبر: «**قاموس قرآن**»، تهران، بیان جوان، ۱۳۸۲.

قنادان، منصور: «**جامعه شناسی مفاهیم کلیدی**»، تهران، آوای نور، ۱۳۷۵.

کاتوزیان، ناصر: «**حقوق مدنی خانواده**»، تهران، بهمن برنا، ۱۳۸۲.

کازنو، ژان:«**جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی**»، باقر ساروخانی و منوچهرمحسنی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.

مجلسی، محمدباقر، «**روضةالمتقین**»، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.

مکارم شیرازی، ناصر: «**تفسیر نمونه**»، قم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۸.

میبدی، رشیدالدین: «**تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار**»، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.

نجاریان، فرزانه: «**عوامل مؤثر در کارایی خانواده**»، دانشگاه آزاد اسلامی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، ۱۳۷۵.